

ادامه از صفحه اول

سیاوش در آغوش افراسیاب

گروگان‌ها را نیز به کاووس سپارد تا هر گونه که دوست می‌دارد با آنان رفتار کند که کسی رفتار کاووس را به پای سیاوش نخواهد نوشت. اگر تقدیر چنین است، چرا با تقدیر باید ستیزه کرد. سیاوش در پاسخ گفت: «هرگز مرا آن سرشت نامردمی نیست که گروگان‌ها را به تیغ بی‌مهری بسپارم و اگر خود بی‌جنگ به بلخ بازگردم، سرزنش‌ها خواهم شنید. اما اگر مایل نیستید از من فرمان برید، من خود در این بیابان پرده‌سرای خویش خواهم شد.» بهرام گودرز و زنگه شاوران به اندوه گفتند به فرمان او هستند و هر آنچه سیاوش بگوید، همان کنند. زنگه همراه صد سوار، گروگان‌ها را به تیغ بی‌مهری سپارد. چون شهریار توران از فرستاده سیاوش آگاه شد، او را به مهر پذیرفت، گرم در آغوشش گرفت و بر بلندجایی نزدیک به خود بنشاندش و فرمان داد پیران به نزد آنان آید و چون پیران آمد، زنگه از رفتار کاووس با سیاوش و از اندیشه‌های خام او سخن گفت. افراسیاب از پیران پرسید این را چه درمان کنند و پیران گفت آن‌گونه که شنیده است، در همه جهان کسی به مردی و جوانمردی و به هنرنامایی و رزمندگی و سروقامتی و خوش‌سیمایی سیاوش نیست که هنر و خرد برتر از نژاد و خاندان است. چه نیکی می‌بود که شهریار نامه‌ای سراسر مهر برای سیاوش بنویسد و او را بهر سبب از سیاوشی که توران، سرزمان آرامش او خواهد بود و چون فرزندی در کنارش خواهد گرفت و آن‌گاه که کاووس اورنگ خالی کند و سیاوش بر جای او بنشیند، بین توران و ایران، مهر پدر، فرزندی برقرار خواهد شد. افراسیاب در دودلی بود و گمان نیکو نداشت و پاسخ داد بیم آن دارد که فرجام همه این سخن‌ها زیبا همانی نباشد که می‌پندارد؛ هرکه بچه شیر نر در دامن خویش بیورود وقتی دندان کند، پاداشی تیزی دریافت خواهد کرد. افراسیاب پذیرفت و نامه‌ای پر از مهر برای سیاوش نوشت با این اندیشه که چون ندانست بر سیاوش چه گذشته، غمی چنانکه بر دلش نشسته و اگر سیاوش منت نهد و به توران آید، همه شهر توران او را نماز خواهند کرد که او خود به مهر سیاوش نیازمند است؛ اگر کاووس بر او بی‌مهر شده، افراسیاب وجودش همه مهر است و می‌داند که روزی کاووس از رفتار خویش پشیمان خواهد شد و آن‌گاه سیاوش به ایران بازمی‌گردد و هر دو سرزمین ایران و توران نیز نگیں او خواهند بود. سیاوش چون نامه پرمهر افراسیاب را دریافت داشت، نامه‌ای به پدر نوشت و در آن یادآور شد که در اوج جوانی با خرد آشنا شد، اما شبتان کاووس مایه رنج او شد تا آنجا که ناگزیر شد به آزمون آتش روی آورد سپس جنگ را بر آramش برتری بخشید و اکنون که آرامش برقرار است، چرا باید جنگید ولی دل شاه چون تیغ پولاد شده؛ اکنون که آرامشی نمانده است، سپاه و همه چیز را به بهرام گودرز می‌سپرد تا در گوشه‌ای آرام گیرد. سپس از سپاه ایران ۳۰۰ تن را برمی‌گزیند که همه گرد و شایسته کارزار هستند و فرماندهان سپاه خویش را بدرد گرفته، از آنان می‌خواهد از بهرام فرمان برند تا توس فراز آید. چون توس به سپاه ایران پیوست، بهرام آنچه را سیاوش به او گفته بود، بازگفت و سپاه را به توس سپرد. توس نیز سپاه را بی‌هیچ نبردی برگرفت و به بلخ بازگشت. آن‌گاه که افراسیاب آگاه شد سیاوش به دیدار او آمده، از ایوان خویش پیاده شتابان به پیشوازش رفت:

چو شد نزد افراسیاب آگهی/ که آمد سیاوش با فرهی/ پیاده به کوی آمد افراسیاب/ از ایوان میان بسته و پرشاپ/ گرفتند مر یکدیگر را به بر/ همی بوسه دادند بر چشم و سر.

سه دیپلمات و کارشناس باسابقه که آمریکا و ایران را به خوبی می‌شناسند در مورد ایران و آمریکا در دوره بایدن صحبت کردند. آنها به بازگشت به برجام امیدوارند. این وینبار دیپلماسی ایرانی با موضوع «ایران و آمریکای پساترامپ» با حضور غلامعلی خوشرو، نماینده پیشین جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، ناصر هادیان، استاد دانشگاه و تحلیلگر ارشد مسائل آمریکا به همراه سیدمحمدصادق خرازی، سفیر پیشین ایران در فرانسه و نماینده اسبق ایران در سازمان ملل متحد برگزار شد. نکات مهم هرکدام از مدعوین این وینبار را می‌توانید در ادامه بخوانید:

هادیان: بایدن تحت تأثیر لابی‌ها علیه ایران قرار نخواهد گرفت

در ابتدای این وینبار ناصر هادیان در پاسخ به این سؤال که آیا با آمدن بایدن شاهد تغییراتی در معادلات جهانی خواهیم بود، عنوان کرد که ایران و بخواهم با یک کلمه و کلیدواژه دولت بایدن را شرح دهم باید به (Restoration)، بازگردانی، بازسازی یا بازتعریف اعتبار ایالات متحده در سطح نظام بین‌الملل اشاره کنم. چراکه دونالد ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود از نظام لیبرال‌دموکراسی آمریکایی عقب‌نشینی کرد و حامی آن نبود. لذا به جای چندجانبه‌گرایی، ائتلاف‌سازی با عربستان سعودی، اسرائیل و کشورهای از این دست را در دستور کار قرار داد. این استاد دانشگاه تأکید کرد که به دلیل سابقه طولانی‌مدت سیاسی و دیپلماتیک جو بایدن، وی تحت تأثیر فشارهای لابی صهیونیستی، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و کشورهای از این دست برای فشار به جمهوری اسلامی ایران قرار نخواهد گرفت و هدف و راهبرد خود را در قبال تهران پی خواهد گرفت، ولی کاملاً هریس، معساون او، از این توان و دانش برای تقابل در برابر فشارهای این لابی‌ها بی‌خبردار نیست.

خوشرو: ترامپ‌بسم در آمریکا ادامه می‌یابد

در مقابل غلامعلی خوشرو، سفیر سابق ایران در سازمان ملل هم در پاسخ به سؤالی مشابه در مورد مشارکت در این انتخابات صحبت کرد و درباره شخصیت دونالد ترامپ گفت «او مجموعه‌ای از درست و غلط‌ها بود که در یک آینه از خودشیفتگی گم شده بود. با این وجود و علی‌رغم پایان دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ شاهد تداوم جریان ترامپ‌بسم در آمریکا خواهیم بود. لذا در آینده جامعه آمریکا دچار افراط‌گرایی خواهد شد. از این رو ادامه کار برای جو بایدن و برای ما ایرانیان سخت خواهد بود. به هر حال جو بایدن نیز در شرایط ایدئالی نیست که بتواند به راحتی موقعیت خود را تثبیت کند. این کارشناس مسائل بین‌الملل در ادامه پیرامون تغییرات احتمالی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوره جو بایدن به این نکته اشاره دارد که احتمالاً شاهد بازسازی روابط آمریکا با اروپا خواهیم بود و در ادامه حذف اقدامات یک‌جانبه‌گراییانه در دستور کار کاخ سفید قرار خواهد گرفت. اما در حوزه نگاه به ایرقدرت‌های جهانی (روسیه و چین) یک جابه‌جایی در توازن قوا شکل خواهد گرفت. به این معنا که تهدید راهبردی و امنیتی روسیه به اولویت سیاست خارجی دوره بایدن بدل خواهد شد و به تبع آن تهدید اقتصادی، تجاری و تکنولوژیک چین در



ایران و آمریکای پساترامپ

باید در ۱۰۰ روز اول کاری بایدن مسئله برجام حل‌وفصل شود

مرحله دوم قرار خواهد گرفت.

این دیپلمات پیشین کشور درخصوص نگاه و رویکرد دولت جو بایدن نسبت به خاورمیانه اذعان کرد که متأسفانه سیاست ایالات متحده آمریکا نسبت به اسرائیل همچنان بدون تغییر بی‌گرفته خواهد شد و امنیت اسرائیل کماکان اولویت سیاست خارجی واشنگتن خواهد بود و به دنبال آن متحدان خاورمیانه‌ای ایالات متحده، عربستان، امارات و بحرین هستند و در مقابل جمهوری اسلامی ایران، حزب‌الله و دیگر گروه‌های مقاومت دشمنان امنیتی آمریکا تلقی خواهند شد. با این وجود تغییراتی در روند یک‌جانبه‌گراییه آمریکا در صلح با اسرائیل شکل خواهد گرفت. به این معنی که آمریکا بیشتر با متحدان اروپایی خود و روسیه و چین در روند صلح اسرائیل همراه خواهد شد و با همان بازسازی اعتبار جهانی آمریکا، کماکان مسئله دو دولت را در فلسطین در دستور کار قرار خواهد داد. البته این مسئله در تعارض با اقدامات مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل قرار خواهد داشت. لذا احتمالاً شاهد فشار بر تل‌آویو برای بازگشت به میز مذاکره با فلسطینی‌ها خواهیم بود.

وضعیت بهتری برای ایران شکل خواهد گرفت

در ادامه ناصر هادیان درباره رویکرد سیاست خارجی جو بایدن نسبت به خاورمیانه تصریح کرد که در مجموع وضعیت بهتری برای ما شکل خواهد گرفت. چراکه اگرچه در دوران جو بایدن شاهد حمایت جدی ایالات متحده آمریکا از اسرائیل خواهیم بود، اما حمایت از اسرائیل به معنای حمایت از بنیامین نتانیاهو و سیاست‌های وی نیست. با وجود آنکه روابط صمیمانه‌ای هم بین جو بایدن و نخست‌وزیر اسرائیل وجود دارد. این استاد دانشگاه درباره مسئله ایران و برجام خاطرنشان کرد که اکنون دو دیدگاه در میان دموکرات‌ها درباره ایران وجود دارد؛ یک دیدگاه به محوریت خانم کلینتون در جریان است و یک دیدگاه نیز با محوریت باراک اوباما و جو بایدن؛ دیدگاه منسوب به خانم کلینتون معتقد است که باید کماکان از اهرم سیاست فشار دکارتزی و تحریم‌های بی‌سابقه دوره دونالد ترامپ برای فشار به ایران استفاده کرد تا بتوان امتیازات بیشتری از تهران گرفت. اما کسانی مانند جو بایدن و باراک اوباما که مسئول شکل‌گیری توافق هسته‌ای بودند، دیدگاهی کاملاً مخالف دارند. چراکه این افراد معتقدند گذر زمان باعث تقویت جایگاه و توان برهم‌زنندگان توافق هسته‌ای، هم در تهران و هم در واشنگتن خواهد شد. لذا دیدگاه بایدن و تیم او بر این است که اگر بخواهیم درخصوص برجام

دیپلماسی



قدرتمندی در برابر آمریکای جو بایدن داشته باشد به گونه‌ای که اگر بعد از جو بایدن، رئیس‌جمهوری به مراتب بدتر از دونالد ترامپ روی کار آمد، نتواند تأثیرات منفی و تلخی بر مناسبات، معاهدات و توافقات داشته باشد. چراکه همین سیاست دونالد ترامپ برای زیرپا گذاشتن توافقات، معاهدات و کنوانسیون‌های جهانی سبب شد تا برخی بازیگران مخرب جهانی فضا و مسیر مناسبی برای پیگیری اهداف خود پیدا کنند. پس باید یک بار برای همیشه جلوی این رفتار مخرب ایالات متحده آمریکا گرفته شود.

این تحلیلگر مسائل بین‌الملل در ارزیابی دومین نکته خود به نقش چین، روسیه، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران اشاره و عنوان کرد این بازیگران نقش و نفوذی به مراتب قدرتمندتر از دوران باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین ایالات متحده آمریکا و دونالد ترامپ پیدا کرده‌اند. اگرچه دونالد ترامپ در چهار سال گذشته سعی در مهار مسکو، پکن و تهران داشت. اما اکنون این کشورها نفوذ پررنگ‌تری پیدا کرده‌اند. ضمن اینکه قطعا این بازیگران بنا به نگاه و ارزیابی خود از مناسبات جهانی که قطعا با اولویت‌های ایالات متحده آمریکا در تضاد است به دنبال تعریف یا بهتر بگوییم بازتعریف نظم جهانی هستند.

اهمیت کابینه بایدن

خرازی در تشریح سومین نکته خود به اهمیت کابینه جو بایدن و چیش مهره‌های سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک این دولت و تأثیر آن بر بازسازی مناسبات جهانی آمریکا اشاره کرد. خصوصاً اینکه دونالد ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری خود با اقداماتی نظیر ایجاد گسل سیاسی و دیپلماتیک با سه کشور آلمان، فرانسه و انگلستان به عنوان تروئیکای اروپایی، شکل‌دادن شکاف امنیتی با ناتو و اختلافات جدی با اتحادیه اروپا به دلیل تلاش برای ازبین‌بردن و فروپاشاندن این اتحادیه در سوی و سخنن و با ایالات متحده آمریکا به نظام بین‌المللی به گونه‌ای دستخوش تغییرات شود که جو بایدن هم به فوریت نمی‌تواند روی آن اثرگذار باشد و این فرصت مغشئی برای روسیه و چین فراهم کرده است. البته قطعا جو بایدن به دنبال بازسازی و ترمیم تبعات منفی اقدامات دونالد ترامپ خواهد بود. اما باید دید که گزینه‌های مهم کابینه وی مانند وزیر امور خارجه، مشاور امنیت ملی کاخ سفید یا نماینده این کشور در سازمان ملل و شورای امنیت چه عملکردی خواهند داشت. در این راستا من در یک مقاله عنوان «دولت سناتورها» را برای ریاست‌جمهوری باراک اوباما به کار بردم. چراکه سناتور باراک اوباما به عنوان رئیس‌جمهور، سناتور جو بایدن به عنوان معاون اول، سناتور هیلاری کلینتون در جایگاه وزیر امور خارجه حضور پیدا کردند. کم‌اینکه دیگر مناصب و پست‌های کلیدی امنیتی، اقتصادی و سیاسی به سناتورهای قدرتمند بانفوذی تعلق پیدا کرد. حال باید دید که آیا دولت جو بایدن هم بتواند مانند دولت باراک اوباما باشد یا خیر؟! البته در این میان رئیس‌جمهوری مسن، اما باتجربه مانند جو بایدن سعی خواهد کرد با تشکیل یک تیم قدرتمند سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک به دنبال ترمیم سریع و جدی مناسبات آسیب‌دیده ناشی از عملکرد دونالد ترامپ باشد. اگر این کابینه تشکیل شود می‌تواند تأثیرات مثبت فوری روی توافقاتی مانند برجام داشته باشد و فرجام خوبی برای آن رقم بزند.

شکایت اسرائیل از ایران به شورای امنیت

علیه اهدافی در سوریه به شمار آورد. گزارش‌های خبری، از جمله گزارش خبرگزاری رسمی سوریه، حاکی از آن است که این رژیم در دو، سه سال گذشته اقدام به انجام صدها عملیات تجاوزکارانه علیه اهدافی در خاک سوریه کرده است. حتی برخی از این اقدامات، از جمله هشت فقره عملیات تجاوزکارانه اخیر، به طور صریح توسط مقامات اسرائیلی تأیید شده است. این عملیات که در حکم تجاوز آشکار به قلمرو سوریه و قتل بی‌گناهان و تخریب تأسیسات است و در مغایرت کامل با حقوق بین‌الملل انجام می‌شود، قاعدتاً توسط دولت سوریه به اطلاع شورای امنیت سازمان ملل می‌رسد. در مقایسه با این عملیات تجاوزکارانه آشکار و علنی، رژیم اسرائیل ادعایی مطرح کرده مبنی بر اینکه گویا شبه‌نظامیان متحد ایران اقدام به کارگذاشتن تعدادی بمب‌های دست‌ساز در حاشیه جاده‌ای در جولان اشغالی کرده‌اند. این کارشناس اضافه می‌کند که «نامه سفیر اسرائیل به رئیس شورای امنیت در حالی ارسال شده که سخنگویان اسرائیلی خود گفته‌اند که مواد انفجاری در خط آفا پیدا شده که خارج از منطقه تحت اشغال اسرائیل است و به عنوان منطقه حالت تحت نظارت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل قرار دارد. در این حالی است که این نیروها می‌خواهد تحقیقات مفصلی در این رابطه انجام داده و نتایج آن را به اعضای شورای امنیت ارائه نکرده‌اند. به عبارت دیگر، این ادعا نیز می‌تواند جعل جدیدی برای افزایش تنش در منطقه و انجام اقدامات تجاوزکارانه بیشتر باشد. سفیر اسرائیل همچنین توجه نداشته که حضور ایران در سوریه حضوری قانونی است؛ چراکه به دعوت دولت قانونی دمشق گرفته و طبیعی است که در این صورت شورای امنیت نمی‌تواند دخالتی در تعامل دولت‌های مستقل عضو سازمان ملل داشته باشد».

نتیجه نفوذ کام به کام اسرائیل در منطقه خاورمیانه و ارتباط‌گیری این رژیم با دیگر کشورها هر روز بیش از پیش نمایان می‌شود؛ شبکه آرتی عربی خبر داده که اسرائیل در نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل خواستار اتخاذ اقداماتی علیه ایران شده است. کلعا اردان نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل در نامه‌ای به اتوتونیو گوتِرش، دبیرکل این سازمان و رئیس شورای امنیت ضمن طرح ادعای تلاش ایران برای مستقرشدن در سوریه خواستار اتخاذ گام‌هایی علیه تهران شد. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که اسرائیل به بهانه‌های متفاوتی به مزارعی سوریه و مناطقی از این کشور حمله می‌کند و عمداً اخباری هم از درگیری با نیروهای ایرانی در پایگاه‌های مرزی سوریه به گوش می‌رسد. به نوشته ایسنا، تل‌آویو پیش از این مدعی شده بود که ایران در بلندی‌های جولان مین‌گذاری کرده است. در بخشی از نامه به شورای امنیت آمده است: نظام سوریه به ایران و نمایندگان آن اجازه می‌دهد که از خاک سوریه و تأسیسات و زیرساخت‌های نظامی آن استفاده کنند تا حضور نظامی خود در سوریه را تحکیم بخشند. رژیم صهیونیستی در این نامه از شورای امنیت خواست که این اقدامات را محکوم کند و ایران و نمایندگان آن در سوریه به‌علاوه زیرساخت‌های نظامی ایران در این کشور به طور کامل خارج شوند. در این نامه همچنین آمده است که اسرائیل از سازمان ملل می‌خواهد تحقیقات مفصلی در این رابطه انجام داده و نتایج آن را به اعضای شورای امنیت ارائه دهد. کورش احمدی، کارشناس ارشد حوزه روابط بین‌الملل که سال‌ها در سازمان ملل به عنوان کارشناس کار کرده است در مورد این نامه می‌گوید: «نامه سفیر اسرائیل در سازمان ملل به رئیس شورای امنیت را باید عمداً پیوست تبلیغاتی عملیات تجاوزکارانه مستمر این رژیم

اتفاق نظری

«وضع اقتصاد بد است»

خدمت ایشان عرض می‌کنیم اگر هم بایدن بیاید و بخواهیم مذاکره کنیم، این بار خواهند گفت با اسرائیل مذاکره کنید؛ همان‌طور که وزیر خارجه چین چند روز پیش به وزیر خارجه کشورمان گفت ترتیبات مسائل امنیتی همه طرف‌های منطقه (توجه کنید که گفت منطقه و نگفت طرف‌های خلیج فارس؛ یعنی اسرائیل هم مدنظرش بوده است) باید رعایت شود. برخی معتقد به سیاست به‌زعم خودشان انقلابی و در نهایت مقاومت هستند. البته مقاومت حتماً بسیار پسندیده است، زیرا بدون رعایت اصل مقاومت در هر کشور، آن کشور دچار فنا و اضمحلال می‌شود؛ اما هدف ایشان در عین شعار مقاومت، وسعت‌بخشیدن به معیشت مردم و پرداخت پول از سوی دولت است، ولی جرئت ندارند مقاومت را معنا کنند. در این میان، دولت هم مانند سایر مسئولان، کار را به وعده‌و وعید و اخبار درخواست دعاکردن گذاشته است و این یعنی آنکه کاری از ما ساخته نیست و جلب آلب همه خود را تابع بیان قرآن و سنت پیامبر می‌دانند، درحالی‌که فراموش می‌کنند که آن بزگوار همه همت خود را بر حسن اجرای اعمال در شرایط بسیار سخت می‌دانست؛ ایشان در سایه تدبیر، استقامت، سختکوشی و تصمیم‌های عاقلانه آن تحول عظیم را ایجاد کرد. اینک صرفاً به‌عنوان یادآوری به مسئولان بزگوار کشور، نکاتی چند را یادآور می‌شوم:

۱- مسئولان باید فرض‌های وضعیت آینده کشور و روابط خارجی را بدون پرده‌پوشی روشن کنند و به همه مردم بگویند که شرایط مفروض ما در آینده چگونه خواهد بود.

رهبر انقلاب چندی پیش فرمودند ۱۰ سال محاصره اقتصادی خواهیم بود؛ آیا این فرمایش از مفروضات آینده کشور است؟ اگر بر این فرض مؤمن نباشیم، هرگز نمی‌توانیم موضوع مقاومت را پیش ببریم و برنامه‌ریزی کنیم. برنامه‌ریزی بدون مفروضات ممکن نخواهد بود. ۲- مسئولان باید در امر تبیین معنای استقامت صراحت به خرج دهند و مردم را با معنای آن آشنا کنند. چندی پیش آقای ولائی گفت یعنی‌ها یادمانی، لنگ و کلاشنیکف مقاومت می‌کنند و می‌جنگند و به نوعی مقاومت را چنین تصویر کرد؛ آیا مقامات اصلی کشور این انتظار را دارند؟

۳- اینکه سیاست خارجی ما چگونه باشد، جزء انفکاک‌ناپذیر مفروضات است. حال که اسرائیل جایای محکمی در امارات، بحرین، عمان و قطر کردستان عراق و به احتمال قوی عربستان، عمان و قطر پیدا کرده است، سیاست خارجی ما با توجه به روش سنتی روسیه و بیانات اشاره‌شده وزیر خارجه چین، چگونه باید باشد؟

۴- با توجه به مخالفت جدی با تصویب قوانین مدنظر پندشونی مانند FATF، اینکه چگونه می‌خواهیم روابط بانکی خود را سامان دهیم از مفروضات حیات اقتصادی است.

بدیهی است که مفروضات دیگری را باید به حساب آورد که از عهدۀ تفکر نگارنده خارج است و ج‌ا‌د‌ا‌ر‌د‌ اندیشکده‌هایی که ۱۰ سال است ایجاد شده و نقشه وضع ۵۰ سال آینده کشور را در دست اجرا دارند، از این خود فروتنی نشان دهند و به جای افق ۵۰ساله کشور و حدس و گمان درباره ۵۰ سال آینده، دانش و تفکر خود را به وضع فعلی و ۱۰ سال آینده کشور معطوف کنند که حتماً ماجور درگاه الهی و مورد تشکر و قدرانی ملت شریف ایران و مسئولان خواهند بود. واضح است که این تقاضا از سوی این اندیشکده‌ها یقیناً بدون جواب خواهد ماند، اما در همین‌جا از همه دل‌سوخنگان نظام و ایران درخواست می‌شود خودسانسوری را کنار بگذارند و در کنار ایرادهایی که وارد می‌کنند، طرح خود را برای بیرون‌رفت از وضع فعلی و اینکه مردم تکلیف خود را بدانند، همراه با تبعات اجرای طرح خود ارائه دهند؛ چراکه خودسانسوری که متأسفانه همه‌گیر شده است و چون به خلوت می‌روند آن حرف دیگر می‌زنند، موجب شکست خواهد شد.

یک بررسی تاریخی

خود شاهد بودم که یک مادر میانسال آذربایجانی که طفل بیپوش خود را در صحن مطهر امام رضاع) به بغل گرفته بود با صدای بلند می‌گفت: «یا امام رضا اگر بچه مرا شفا دهی روزی رقیامت شکایت را به جدت می‌کنم». بی‌تکلفی و رابطه مستقیم مردم با نظام دینی خاص مسلمانان نبوده و نیست. دست‌کم در ادیان ابراهیمی چنین چیزی نبوده است. آن ۱۲۴ هزار پیامبر نه الزماً جاشین هم نبوده‌اند نه یکدیگر را نفی می‌کرده‌اند. دنیای قدیم مانند امروز یکپارچه نبوده و ارتباطات میان جوامع به‌گونه‌ای نبوده که یک پیامبر رسالت خود را در سراسر جهان اعمال کند. جنگ‌های مذهبی مانند جنگ‌های صلیبی پیش‌تر ظاهر مذهبی داشته اما توسط زمامداران وقت تشویق می‌شده است، هنگامی که صلیبیون از ایتالیا به دمشق حمله کردند، میان رهبران صلیبی و بازرگانان و نیز توافق شده بود که به شرط حمایت مالی از سپاه صلیبی در طول جنگ، بخشی از غنایم جنگی حاصل از غارت خواهد شد. بازرگانان وینزی پرداخت شود. تا آن‌جا که این نگارنده می‌فهمد هیچ‌گونه برخورد میان ادیان ابراهیمی وجودی ندارد. زیرا پیامبران این سلسله از ادیان به دلیل دوری سرزمین‌ها هر یک در منطقه‌ای در خاورمیانه مبعوث شده بودند. اگر رقابت یا دشمنی بوده، حکومت‌های این مناطق موجب آن بوده‌اند. نمونه آن در نبردهای کونی میان ارمنستان و آذربایجان در قرون‌های دیده می‌شود که احتمالاً به تحریک قدرت‌های خارجی صورت گرفته است. این رقابت برای مال دنیا و ایجاد سلطه تازه در منطقه خاورمیانه و غرب دریای خزر و خلتی مانند جنگ‌های صلیبی است.